



آیت الله حسین نوری

# اِفْتِضَالًا سِلَاحِيًّا



## دراهِ ریشه کن ساختن فقر فاجعه بزرگ بشریت

فقر و تنگدستی در جهان بیداد می کند و در هر دقیقه ۳۰ کودک بر اثر گرسنگی یا فقدان دارو می میرد و همچنین ۴۵۰ میلیون نفر باندازه کافی غذا نمی خورند و این در حالی است که در هر دقیقه ۱/۳ میلیون دلار صرف هزینه های نظامی در جهان می شود! این عوامل در کنار توطئه هایی از قبیل بایر گذاشتن ۴۰ میلیون هکتار اراضی توسط دولت آمریکا موجب شده است که هیچ کشوری نتواند نیازهای اجتماعی خود را تأمین کند. نظیر این گونه جنایات فراوان است مثلاً قیمت یک زیر دریایی هسته ای معادل بودجه آموزش سالانه ۲۳ کشور در حال توسعه با ۱۶۰ میلیون کودک در سن تحصیل است!

هدف قدرتهای بزرگ مشغول داشتن افسکار و اذهان ملت ها در تب و تاب مسابقات تسلیحاتی و در «فقر» نگهداشتن و ترساندن آنها از «سرداران فریاد آزادی»

است! در بعضی از کشورهای پرجمعیت افراد برای تأمین هزینه زندگی فلاکت بارشان خون خود را ۴ بار در روز و هر بار ۱۲۵۰ میلی لیتر می قرووشند در صورتی که علاوه بر صرف سالانه ۶۶۰ میلیارد دلار در جهت هزینه های نظامی جهان، ۵۰ هزار سلاح هسته ای انبار شده و ۲۵ میلیون نفر در ارتش ها خدمت می کنند و یک میلیارد نفر در کشورهای تحت کنترل نظامی، زندگی می کنند و نیز آمار نشان میدهد که ۹ میلیون غیرنظامی بعد از واقعه «هیروشیما» کشته شده اند و آنطور که گفته اند قدرت انفجاری سلاحهای هسته ای انبار شده کنونی ۵ هزار برابر تمامی سلاحهای است که در طول آخرین جنگ جهانی مورد استفاده قرار گرفته است!

ارقام مذکور مبین این حقیقت است که کوشش در زمینه نظامی خیلی سریعتر از

فعالیت های اقتصادی افزایش می یابد. امروزه بشر بیش از هر زمان با مساله مرگ و میر ناشی از «گرسنگی» روبرو است و در هر ۲ ثانیه یک کودک از گرسنگی میمیرد!

البته این، بدان معنی نیست که مواد غذایی در جهان وجود ندارد و یا کمبود عوامل طبیعی سبب این مرگ و میر می شود بلکه جهان از نظر امکانات و تکنولوژی قادر است «گرسنگی» را از میان بردارد ولی «استراتژی جدید امپریالیسم» این است که تسلط اقتصادی خود بر جهان را افزایش دهد.

ابرقدرتهای جنایتکار برای اینکه بتوانند مردم کشورهای جهان سوم را بزییر سلطه خود در آورند علیرغم تمام قوانین انسانی از حربه مواد غذایی استفاده می کنند و باعث می شوند که روزانه صدها انسان بیگناه بر اثر «گرسنگی» جان خود را از دست بدهند! و همچنین به علت عدم تعهدات سیاسی و

انسانی هر ساله ميلياره‌تن مواد غذائى نابود مى‌شود و اين در حالى است كه دوسوم مردم دنيا از گرسنگى و سوء تغذيه مى‌نالند و در عوض يك سوم بقيه بعلت مصرف زياد پروتئين و غذاهاى غير متعادل به بيماريهاى مختلف دچار مى‌شوند.

براي مثال: در استراتژى جديد امپرياليستى، قاره افريقا به عنوان زمينه‌اي براي تأمين منافع آنها شناخته شده است. اين قاره از لحاظ وسعت خاک دومين قاره جهان بشمار مى‌آيد و از لحاظ جمعيت يكي از كم جمعيت‌ترين قاره‌ها ميباشد و از لحاظ منابع طبيعي يكي از غني‌ترين سرزمين‌ها و از نظر رفاه عمومي يكي از فقيرترين و گرسنه‌ترين مناطق دنيا بشمارى آيد!

قاره افريقا همواره در معرض خطرناكترين مرحله فحطى و گرسنگى قرار گرفته است و اين جاي سوال است كه چرا سرزمينى با اين همه وسعت و درعين حال كم جمعيت‌تر از قاره‌هاى ديگر نمى‌تواند راه نجات از دام گرسنگى را بدست آورد؟

در افريقا هم چون ديگر سرزمين‌هاى مبتلا به گرسنگى، عواملى را مى‌بينيم كه دست به دست هم داده و مانع از آن مى‌گردند كه انسان‌ها از اين گرفتارى غم‌انگيز رهايى يابند.

در ميان اين عوامل برخى طبيعي هستند و برخى فرهنگى كه با چگونگى اوضاع اقتصادى و سياسى مردم افريقا بستگى دارد. حال آنكه اين علل طبيعي توسط استعمارگران تشديد يافته است.

افريقا يكي از وسيعترين ميدانهاى عمل براي استعمارگران بوده است. تاثيرات نامساعد استعمارگران در امكانات زندگى بوميان در خلال يك رشته امور اقتصادى و سياسى كه در طول همه دوران محور اصلى استعمار بوده است بخوبى قابل لمس است.

پرتغاليها نخستين استعمارگراني بودند كه به اين سرزمين گام نهادند تا كالاها و منابع طبيعي اين سرزمين را به «يقما» ببرند و بدنبال آن اسپانيولى‌ها، فرانسويها،

انگليسى‌ها و ساير استعمارگران غربى به عنوان تهيه كالا به آن سرزمين وارد شدند و بزودي متوجه شدند كه پرسودترين كالاها خود سياهپوستان هستند كه مى‌توانند آنها را به عنوان برده در ساير مستعمرات بفروش برسانند!



به اين ترتيب سوداگرى «برده فروشى» هم آغاز گرديد. سپس با بهره‌كشى و بهره‌بردارى از منابع و ثروتهاى طبيعي و زيرزمينى، وارد مرحله جديدترى از استعمار شدند.

تنها چاره‌اي كه از طرف كشورهاي ثروتمند در باره اين قاره صورت گرفته اين است كه زاد و ولد به حداقل تقليل يابد و اين هم بخاطر وحشت آنان از زندگى مرقه خود مى‌باشد كه مياداد با افزايش جمعيت امنيت خاطر آنها بخطر افتد و يا صدور مواد خام به كشورهاي غرب محدود گردد.

لازم به يادآوري است كه نفوذ استعمار جهاني و استعمار ملت‌ها در هر كشورى از جهان به اقتضاي موقعيت جغرافيايي و اقليمي آنها صورت گرفته است ولى بهر حال هدف آنها در فقر مطلق نگاهداشتن اين كشورها مى‌باشد.

همه ميدانيم كه علل پيدايش و رشد بحران تغذيه در جهان، كشورهاي استكباري هستند كه در تشديد و خامت اوضاع نقش اصلى را به عهده داشته و دارند.

كشورهاي استكباري مخصوصاً امريكاي جهانخوار با روى كار آمدن رژيمهاى وابسته بخود، تنها به سرمايه‌دارى وابسته امكان رشد

مى‌دهد و بيهوده نيست كه در هيچ يك از كشورهاي وابسته به استكبار جهاني، خود كفايتى در توليد محصولات كشاورزى ديده نمى‌شود.

بنابراين نبايد از نظر مورد داشت كه امپرياليسم خود عامل بحرانهاى مربوط به تغذيه است. در حال حاضر صدها ميليون نفر در جهان شب‌ها با شكم خالى سر به بستر مى‌گذارند! آمريكا به كشاورزاني كه كشت نكندند جايزه مى‌دهد و بيش از ۴۰ ميليون هكتار از اراضي را باير ميگذارد. مادامي كه انواع بهره‌كشى‌هاى اقتصادى از جانب سازمانهاى اقتصادى استكبارى بر جهان گرسنه تحميل ميشود كشورهاي فقير همچنان خراجگزار گرسنگى خواهند بود. تنها با آزادي از قيدها و موانع اقتصادى سياست‌هاى استعماري است كه جهان گرسنه ميتواند از اين بلاى وحشتناك رهايى يابد.

ما در طى بحث‌هائي كه پيرامون سيستم اقتصاد سرمايه‌دارى مطرح كرديم براي آنكه زشتى و تباهى نفرت‌انگيز اين سيستم، در برابر اصول و موازين نجات بخش و عزت‌آفرين اقتصاد اسلامى روشن‌تر شده گوشه‌هائي از مفاسد اقتصاد سرمايه‌دارى اشاره كرديم.

از جمله مفاسد دهشتناك اقتصاد سرمايه‌دارى كه اخيراً مورد بحث ما قرار گرفت مسأله غم‌انگيز «فقر» ملت‌هاى تحت ستم و استعمار و استثمار بود كه در جهت نشان دادن گوشه‌اي از اين مصيبت عظيم و فاجعه‌بزرگ بشرى موضوع گرسنگى را با نمونه‌هائي از انواع و اشكال و عوارض و عواقب شوم آن مطرح كرديم. منظور از طرح اين مسائل اين است كه هر چه بهتر و بيشتريه ارزش و اهميت تعاليم نجات بخش اسلام پي ببريم و بهتر و روشن‌تر به اين مسأله واقف شويم كه از يك سو چرا مبناي اقتصاد اسلامى بر پايه ريشه‌كن كردن فقر و گرسنگى و استقرار عدالت اجتماعى بر پايه ريشه‌كن كردن فقر و گرسنگى و استقرار

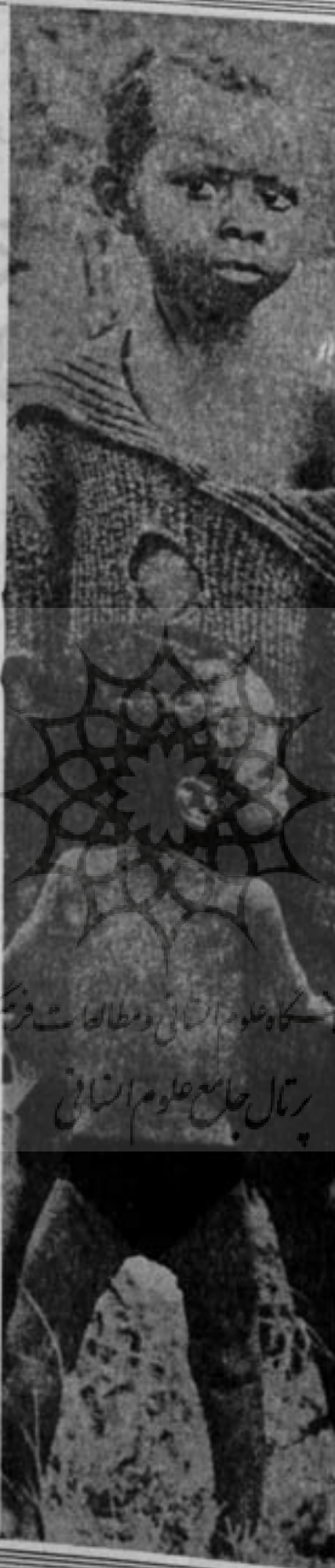
عدالت اجتماعی و تعادل بین طبقات اجتماع قرار گرفته است؟ و از سوی دیگر چرا هیچکدام از سیستم های اقتصادی جهان و راه حلها و طرح های متفکران و دانشمندان شرق و غرب و بالاخره هیچیک از فورمولهای اقتصادی ساخته بشر هرگز نمیتواند با اصول و اساس اقتصاد اسلام برابری کند و در مقابل آن رنگ و جلوه داشته باشد.

در این رابطه بمنظور روشن تر ساختن مسائل مورد بحث و بررسی پدیده «گرسنگی» پرداختیم و گفتیم که گرسنگی تنها دسترس نداشتن به «قوت لایموت» نیست بلکه شایع ترین و رایج ترین اشکال گرسنگی در جهان امروز، محرومیت حدود ۸۵ درصد مردم دنیا، از آن دسته مواد غذایی لازم و حیاتی است که فقدان یا حتی کمبود آنها زیانهای جبران ناپذیری بر سلامت و زندگی افراد وارد می آورد تا جایی که حتی اقوام و قبائل و ملل و جوامع بزرگی را، یکی به چنگال انحطاط نژادی و اضمحلال ساختمان بدنی می افکند و رفته رفته ملت هائی را در کام مرگ تدریجی فرو برده نسل هایشان را منقرض و نابود می کند.

چنانکه قبلاً گفتیم مواد حیاتی و مورد نیاز بدن انسان که مصرف آنها برای حفظ سلامت و تعادل دستگاه ماشین بدن انسانی ضرورت انکارناپذیر دارد به سه گروه اصلی یعنی مواد پروتئینی، «مواد معدنی» و انواع ویتامینها تقسیم می شود که فقدان یا کمبود هر یک از آنها زندگی انسان هارا به مخاطره می افکند و به زوال و اضمحلال می کشاند.

در مقالات قبلی درباره عوارض و عواقب گرسنگی کیفی «پروتئین» سخن گفتیم اکنون لازم است بحث خود را درباره گرسنگی «مواد معدنی» مطرح کنیم و از نقش مهم مواد معدنی سخن بگوئیم:

در مورد مواد و املاح معدنی باید دانست که هر چند تمام آنها برای سلامت انسان و تعادل دستگاههای بدن و تأمین ارزشهای جسمانی و روانی لزوم دارند اما بطور کلی تنها کمبود چندنوع از آنها است که از لحاظ



اجتماعی اهمیت بیشتری دارد و آنها عبارتند از: کلسیم، آهن، سدیم و ید.

کلسیم به گفته اهل تحقیق، فراوان ترین عامل معدنی موجود در ساختمان بدن انسان است و این همان ماده ای است که در حقیقت مهمترین ماده سازنده استخوانها در بدن انسان به شمار میرود به این دلیل و دلایل دیگر انسان روزانه به مقدار معینی کلسیم از نیم گرم (حد اقل) تا یک گرم احتیاج دارد<sup>۱</sup>

باز به گفته همین پژوهشگران: از آنجا که ماده کلسیم، در انواع خاکهای مناطق کره زمین بطور بسیار نامنظمی توزیع شده و نیز تنها مقدار معدودی از مواد غذایی مانند شیر، تخم مرغ و چند نوع از سبزیجات طبیعی ترین منبع کلسیم بشمار می روند (و اینها موادی است که افراد اندکی بدان دسترس دارند) و همین مسائل موجب می گردد که عوارض ناشی از کمبود کلسیم، در جهان ما رایج و فراوان باشد لذا کمبود کلسیم یک پدیده جهانی است که مردم هر منطقه و هر آب و هوائی بدان دچار می شوند و حتی در مناطق ثروتمند نیز این کمبود، عرض وجود می کند و عوارض خود را نشان می دهد.

طبق تحقیقات پژوهشگران مهمترین عواقب کمبود کلسیم عبارتند از بیماری «راشیتسم» و نرمی استخوان، پوک شدن و کرم خوردگی و ریختن دندانها که خود عامل و موجددها بیماری و عارضه دیگر است و همچنین عقب ماندگی و رشد بدنی.

البته نباید این عوارض را ساده پنداشت، چه اینها امراض بسیار خطرناکی هستند که در صورت عدم اقدام برای بروز یا توسعه آنها می توانند نسلها و نژادها را از لحاظ جسمی و روانی تنزل دهند و رفته رفته به انحطاط کامل و نابودی بکشانند.

اکنون این بحث را در همین جا متوقف می کنیم و بقیه بحث درباره عوارض کمبود مواد معدنی را بتوفیق خداوند متعال برای مقاله بعدی می گذاریم.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۲/۱۰/۸

۲- ژورنال پستیک گرسنگی ص ۸۵